باسمه تعالی

شناسنامه کتب خطی

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی

عنوان	جواهر عبقریة فی ردّ تحفة الاثنی عشریة		
مولف متن	عباس بن علی اکبر		
شارح			
محشی			
مترجم		شماره اموالی	٤١٥٠٢
موضوع	کلام و عقاید	تاریخ تألیف	
		تاریخ تحریر	
کاتب		زبان	فارسی
نوع خط	نستعلیق	طول / عرض	
عدد اوراق		کاغذ	نخودی
تعداد سطر	١٧	جلد	تیماج زرشکی
تاریخ ارسال	دیماه – ٨٨	شماره خصوصی	٢٥٠٢
ملاحظات	در ردّ باب امامت کتاب تحفه اثنا عشریه است به امر نواب باقرعلی خان ... در		

تنظیم کننده: رفیع پور کمک (?)

٢٧٦

دستخط مؤلف (?)

حواشی دستخط مؤلف دارد برقم منه عفی عنه

٢٦٤

در آخر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله المنعام الذي نصر الايمان و الاسلام اولا بمحمد سيد الانام ونصره ثانيا
بعلي و آله الكرام عليه وعليهم الصلوة و السلام ما اختلف النور و الظلام و ايده ثالثا
بالسلاطين العظام وجدده رابعا بالعلماء الاعلام اما بعد ازانجاكه رحمت نامتناهي ايزد بيهمال
افضال الهي بمصداق آيه كريمه ولقد كرمنا بني ادم هميشه بحسب گنجايش ظرف هر فردي از
افراد انسان ريزان است قهرمان جلال و جباري و مواكب نصرت و مددگاري بفحواي
وكان حقا علينا نصر المومنين پيوسته در اعانت دين و اعزاز مومنين بافتح و ظفر همعنان
اولا سلك شريعت و اسواق طريقت را بارسال سيد الانبياء و نصب حضرات اوصيا روشن
گردانيده و رونقها بخشيده و ثانيا چون از باد تند جور و فساد اهل عناد انوار هدايت
سر و جيب اختفا كشيدند مگر در هر آني از آنات و هر زماني از ازمان قائد توفيق اله سلاطين

سلاطين عاليجاه و خواقين معلي بارگاه را باكرام علمائي كرام وا مي دارد و حاوي لطف
و احسان ايزد منان علمائي عاليشان و فضلاي والا مكان را باحيا و تجديد شرع سديد
مي گمارد لهذا بجود اينكه كسي از حجره ليام و نصاب اقتشاب سرير غروري برافراخته سيف و
قلم اين دو ركن اعظم قامت حيات و بناي شبهات او را از پا انداخته و چون پادشاهان
عدالت اكتنده مصدوقه السلطان العادل ظل الله اند ايشان را التخلق باخلاق النبي اوار ست
و علما را كه مورد العلماء ورثة الانبيا اند تاسيتي بصفات جناب رسالت پناهي دركار و از جمله
صفات حميده و خصال پسنديده ملوك اول نصرت دين است و استرضاي رب العالمين
و شرف و فضل اين صفت محتاج بيان نيست و كار قلم شكسته زبان چه قرآن مجيد از ترغيب
و تحريص بر جهاد سرشار است و مثوباتيكه بر جهاد انتشار مترتب است بيشمار و بنابرين خاصان
خدا نفس و مال را در اعلاي دين عزيز نداشته اند و دقيقه از ترويج و تاسيس اسلام و توهين و
تهجين عبده اصنام نگذاشته سر دفتر اصفيا و سر خيل انبيا حضرت محمد مصطفى ص بلاهائيكه
ديده و جفاهائيكه از دست كفار قريش كشيده اظهر من الشمس است و آفتاب آسمان ارتضى
علي مرتضى ع خون جگرهائيكه از اهل نفاق و شقاق چشيده ابين من الامس مسموم شدن
جناب امام حسن مجتبى عليه التحية و الثنا ازين قبيل است و سر دادن حضرت سيد الشهدا
برين مدعا اول دليل و لله الحمد و المنة كه اعلي حضرت معلي همت سلطان زمان نوشيروان
اوان خاقان ارضين و داراي ملك و دين عرش بارگاه عالم پناه افلاك قباب مالك
رقاب حامي شريعت ماحي بدعت مورد فيوض يزداني وارث ملك سليماني باسط

که بر هیچ عاقل پوشیده نمی تواند ماند در میان اختفای که مقدمه ظهور و خروج باشد و اختفای
که لازمه ان گمنامی و خمول و ترک دعوی باشد اختفای سید الابرار تا سه شب کاری کرد
که بیخ و بن معاندان برکند و سواد موافقین را اضعاف مضاعف ساخت پس اختفای
کدائی خود از باب تدبیرات و حیل است که ارباب عزم و خروج در ابتدای امر بعمل می ارند و انرا بهترین
اسباب تتمیم مراد خود میشمارند نه اختفای که بزعم شیعه صاحب الزمان اختیار نموده که هیچ
ازان جبن و فرار از دعوی و دفع تهمت امامت از خود می تراود در این غیبت دراز کدام فرقه
را با خود مسخر ساخت و کدام ملک را از خود کرد و اگر صاحب الزمان بجای سه شب کاری
کرد که بیخ و بن معاندان برکند و سواد موافقین را اضعاف مضاعف ساخت پس اختفای
کدائی خود از باب تدبیرات و حیل است که ارباب عزم و خروج در ابتدای امر بعمل می ارند و انرا
بهترین اسباب تتمیم مراد خود میشمارند نه اختفای که بزعم شیعه صاحب الزمان اختیار نموده
که هیچ ازان جبن و فرار از دعوی و دفع تهمت امامت از خود می تراود در این غیبت دراز کدام
فرقه را با خود مسخر ساخت و کدام ملک را از خود کرد و اگر صاحب الزمان بجای سه شب سه صد سال
و عوض غار ثور سرداب سر من رای و در بدل مدینه منوره دار المومنین قم و دار الایمان کاشان
و بجای انصار پیغمبر شیعه فارس و عراق که بهزاران مرتبه در کثرت و سامان بر انصار زیادت
دارند در خواست میکرد که من درین صورت بر وبال فراهم آورده برای اصلاح حال امت خروج
خواهم کرد اهل سنت و دیگر مسلمین تحمل این شرائط هم میکردند که رتبه امام دون رتبه پیغمبر است
قیامت امینست که هزار سال گذشت و مهلت دراز یافت و اکثر بلاد در مذهب تشیع در آمدند

وشهرهای و شیع با فضا در دست اولیای اوست که هر یکی از انها رشک جابرصا و جابلقا
و حیرت مینو دارم است و انصار و اعوان او فوجی گرفتند که هیچ مذهب را این قوت حاصل
نیست باز هم میل خروج بلکه خیال ظهور ندارد و روز بروز در ستر و اختفا ترقی میفرماید از این
امام دشوار پسند که امت را در اول تکالیف تحمیل ما لا یطاق میکند چها کشیدنی است مقرع
این امامت تا قیامت شد بنا بر این امور شیخ الشیوخ المتافرین مقداد صاحب کنز الشیعه
العرفان طریق شریف مرتضی و دیگر متقدمین را گذاشته راه دیگر پیموده و گفته انما کان الاختفاء
لحکمة استاثرها الله تعالی فی العلم الغیب عنه ظاهر است که این ادعا مجرد است در هر چیز
که مناقض لطف باشد میتوان مثل ان گفت که لعل فی ذلک حکمة استاثرها الله تعالی فی
علم الغیب عنه فلا یثبت اللطف فی شیء من الاشیاء مثل بعث الرسل و نصب الامام
و غیر ذلک و بسبب این احتمال سر رشته کلام شیعه تمام برهم خواهد شد زیرا که مبنای ادله ایشان
بر همین حرف است که فلان امر لطف است و اللطف واجب علی الله تعالی این مبحث را نیک
تامل باید کرد و دست و پا زدن این فرق درین لجه ردا از تای باید دید و از انجا بکمال عقل و کیاست
ایشان پی باید برد و الله یحق الحق و هو یهدی السبیل انتهی کلامه زاد ملامه و ما ایکلام
حیرت اغا ر ضلالت انجا را درین جلد حرف حرفا رد کردیم و یک ایراد را ده جواب گفتیم و معهذا بسبب
موانع چند بطوریکه دل میخواست وقوع نیافت و شدید ترین عوایق سه امر بود اول استعجال
ناصیه سایان استان سلطان و تعجیل و تاکید حاملان اورنگ جهانبانی که موجب انتشار حواس
بود و فرصت نفس راست کردن نمی داد و لیکن مطلب لطیف که در اثنای تحریر و تصنیف پیرامون

خاطر فاتر میگشت و بسبب شدت عجلت بزبان قلم نیامده

